



## اطلاع‌رسانی، علم اطلاع‌رسانی، یا علم اطلاعات؟

دکتر مرتضی کوبی<sup>۱</sup>

چکیده: این نوشته بر آن است تا واژه اطلاع‌رسانی را از دیدگاه‌های لغوی و مفهومی بررسی کند و به مقایسه آن با کتابداری و علم کتابخانه بپردازد، سپس مشخص کند که تفاوت مفهومی این واژه با کتابداری، اگر تفاوتی وجود دارد در کجاست؟ در طی نوشته، بر این نکته نیز تأکید خواهد شد که چرا نسبت به واژه "علم" در عبارات "علم اطلاعات" یا "علم اطلاع‌رسانی" یا هر معادل دیگری غفلت شده و آیا این غفلت، عمدیست یا سهوی؟ برای این منظور، نخست درباره تاریخچه پیدایش واژه اطلاع‌رسانی بحث خواهد شد؛ آنگاه به بحثی لغوی درباره واژگان "اطلاع‌رسانی" و "علم اطلاع‌رسانی" پرداخته می‌شود؛ سپس این نکته بررسی می‌شود که چرا در نوشته‌های فارسی کتابداری، از اصطلاحات "اطلاع‌رسانی" یا "علم اطلاع‌رسانی" و نه "علم اطلاعات" استفاده شده است؛ در پی آن، رابطه میان "کتابداری"، "علم کتابداری" یا "علم کتابخانه" با "علم اطلاعات" بررسی می‌شود و سرانجام پیشنهادهایی ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: اطلاع‌رسانی، کتابداری، علم کتابخانه، علم کتابداری، علم اطلاعات

### مقدمه

در اسفند ماه ۱۳۸۰، یک کتابدار ایرانی این سؤال را مطرح کرد: "بعد از ۱۵ سال تجربه هنوز فرق اطلاع‌رسانی را با کتابداری نفهمیدم، لطفاً توضیح دهید" (۳:۴). این پرسش که بی‌گمان بارها و بارها توسط کتابداران ایرانی در محافل غیررسمی و شاید هم رسمی مطرح شده، سؤالی است که مانند بسیاری از سؤالات دیگر مربوط به کتابداری در ایران، تاکنون بی‌پاسخ مانده است. نخستین بار واژه اطلاع‌رسانی در سال ۱۳۵۱ در انتشارات کتابداری ایران ظهور کرد، اما چرا یک کتابدار ایرانی پس از گذشت حدود سی سال از پیدایش واژه

اطلاع‌رسانی هنوز تفاوت میان دو واژه کتابداری و اطلاع‌رسانی را نمی‌داند؟ آیا فقط این کتابدار ایرانی تفاوت میان این دو مفهوم را نمی‌داند یا تعداد بیش از این است؟ آیا او و کسانی مانند او مقصرند یا تقصیر را باید به گردن دیگران انداخت؟

در این نوشته، هدف این است که واژه اطلاع‌رسانی از دیدگاه‌های لغوی و مفهومی بررسی و با کتابداری و علم کتابخانه مقایسه شود، و آن‌گاه مشخص شود که تفاوت این واژه با کتابداری، اگر تفاوتی وجود دارد در کجاست. در طول نوشته، بر این نکته نیز تأکید خواهد

۱. دانشیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز

شد که چرا دربارهٔ واژهٔ "علم" در عبارت "علم اطلاعات" یا "علم اطلاع‌رسانی" یا هر معادل دیگری غفلت شده و این غفلت، عمدی‌ست یا سهوی؟

لازم به توضیح است که چون اصطلاح Information Science در این نوشته بسیار به کار برده می‌شود، از این پس به جای این اصطلاح، از مخفف انگلیسی آن یعنی IS استفاده می‌شود.

### پیدایش واژهٔ اطلاع‌رسانی

واژهٔ اطلاع‌رسانی احتمالاً برای نخستین بار در نخستین شمارهٔ نشریهٔ مرکز مدارک علمی ظهور یافت. علی سینائی، رئیس وقت مرکز مدارک علمی در پانویسی در دومین برگ از این شماره توضیح داد: "واژهٔ اطلاع‌رسانی را همکاران ما در برابر Information Science به کار برده‌اند [۱]. واژه‌های دیگری نیز از جمله دانش‌رسانی، آگاهی‌رسانی و غیره نیز پیشنهاد شده است که امیدواریم در ضمن کار بتوانیم رساترین واژهٔ ممکن را در برابر این اصطلاح بیابیم" (۱۱). در همین شماره در مقالهٔ ترجمه شده‌ای با عنوان "دانش اطلاع‌رسانی چیست؟" حسین دانشی و پرویز مهاجر، در حالی که هیچ یک از "واژه‌های دیگر" مورد اشارهٔ رئیس وقت مرکز مدارک علمی را به کار نبرده بودند از "دانش اطلاع‌رسانی" سخن گفتند (۲:۵)، اما این دو در همین مقاله، بارها به تناوب از واژگان "اطلاع‌رسانی" و "علم اطلاع‌رسانی" استفاده کردند. از جمله در صفحهٔ ۳ از همین مقاله، در توضیح "نیاز به اطلاع‌رسانی" نوشته شده که "هدف اطلاع‌رسانی به عنوان یک رشتهٔ علمی تهیهٔ مجموعه اطلاعاتی است که... به این ترتیب به نظر می‌رسد که از همان آغاز، دربارهٔ کاربرد یک معادل همه پسند برای عبارت انگلیسی IS تردید وجود داشته است. این تردید در سال‌های بعد نیز در انتشارات فارسی مربوط به کتابداری دیده شد. از جمله محمدحسین

دانشی و عبدالحسین آذرنگ در سال ۱۳۵۷ معادل‌های "علم اطلاعات/ علم اطلاع‌رسانی" را برای IS پیشنهاد کردند (۷۱:۳). پیش از آنها، هوشنگ ابرامی در سال ۱۳۵۶ عنوان یکی از کتاب‌های خود را شناختی از دانش‌شناسی (علوم کتابداری و دانش‌رسانی) نام نهاد که با توجه به عنوان انگلیسی کتاب، *Introduction To Librarianship and Information Science* به نظر می‌رسد معادل "دانش‌رسانی" را برای IS انتخاب کرده بود (۲). عبدالحسین فرج‌پهلوی نیز در سال ۱۳۸۰، عنوان کتاب خود را که ترجمه‌ای از کتاب *Information Science in Theory and Practice* بود علم اطلاع‌رسانی در نظر و عمل ترجمه کرد و به این ترتیب، معادل "علم اطلاع‌رسانی" را برای IS برگزید (۱۵). پوری سلطانی و فروردین راستین نیز در دانشنامهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی، "اطلاع‌رسانی" را معادل IS گرفته و "علم اطلاعات"، "علم اطلاع‌رسانی" و "علوم آگاهی" را مترادف‌های آن به شمار آورده‌اند (۲۱:۸). در ویرایش سوم سرعنوان‌های موضوعی فارسی، "اطلاع‌رسانی" اصطلاح اشهر در نظر گرفته شده و از کلمات و عبارات آگاه‌گری، انفورماتیک، دانش‌رسانی، دانش‌گری، و علم اطلاع‌رسانی به آن ارجاع داده شده است (۹:۱۶۶).

در فرهنگ‌های مربوط به رایسانه عبارت IS معادل‌های گوناگونی دارد: در فرهنگ کامپیوتر: انگلیسی - فارسی، معادل "علوم آگاهی" برای IS انتخاب شده است (۷۲:۱۰). در واژه‌نامهٔ کامپیوتر: انگلیسی - فارسی، احتمالاً تحت تأثیر کتابداران، معادل‌های "اطلاع‌رسانی، دانش اطلاعات" برای IS انتخاب داده شده است (۱۴:۱۳۰). در فرهنگ پیشرفته اینترنت: انگلیسی - فارسی معادل‌های "دانش اطلاعات، انفورماتیک" برای IS پیشنهاد شده است (۱۲).

به این ترتیب مشاهده می‌شود که اولاً عبارت "اطلاع‌رسانی" یا هر مترادفی که در انتشارات فارسی

مربوط به کتابداری برای آن در نظر گرفته شده معادلی فارسی برای اصطلاح انگلیسی IS است و ثانیاً، در میان همه مترادفها، "اطلاع‌رسانی" و "علم اطلاع‌رسانی" از همه بیشتر به کار رفته‌اند. اینکه در دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، نخستین واژه‌نامه کتابداری در ایران، و به‌خصوص در ویراست سال ۱۳۸۱ کتاب سرعنوان‌های موضوعی فارسی عبارت اطلاع‌رسانی به منزله اصطلاح اشهر برگزیده شده، به این معناست که واژه اطلاع‌رسانی بیش از عبارت علم اطلاع‌رسانی جا افتاده است.

مربوط به کتابداری برای آن در نظر گرفته شده معادلی فارسی برای اصطلاح انگلیسی IS است و ثانیاً، در میان همه مترادفها، "اطلاع‌رسانی" و "علم اطلاع‌رسانی" از همه بیشتر به کار رفته‌اند. اینکه در دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، نخستین واژه‌نامه کتابداری در ایران، و به‌خصوص در ویراست سال ۱۳۸۱ کتاب سرعنوان‌های موضوعی فارسی عبارت اطلاع‌رسانی به منزله اصطلاح اشهر برگزیده شده، به این معناست که واژه اطلاع‌رسانی بیش از عبارت علم اطلاع‌رسانی جا افتاده است.

مربوط به کتابداری برای آن در نظر گرفته شده معادلی فارسی برای اصطلاح انگلیسی IS است و ثانیاً، در میان همه مترادفها، "اطلاع‌رسانی" و "علم اطلاع‌رسانی" از همه بیشتر به کار رفته‌اند. اینکه در دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، نخستین واژه‌نامه کتابداری در ایران، و به‌خصوص در ویراست سال ۱۳۸۱ کتاب سرعنوان‌های موضوعی فارسی عبارت اطلاع‌رسانی به منزله اصطلاح اشهر برگزیده شده، به این معناست که واژه اطلاع‌رسانی بیش از عبارت علم اطلاع‌رسانی جا افتاده است.

### "اطلاع‌رسانی" و "علم اطلاع‌رسانی" در لغت

همان‌گونه که مشاهده شد واژه اطلاع‌رسانی به منزله معادلی برای عبارت انگلیسی IS، در نوشته‌های فارسی کتابداری ظهور کرد و واژه‌ای نیست که برای مفهومی خاص در کتابداری ایران درست شده باشد. عبارت IS از دو واژه Information به معنای "اطلاعات" و Science به معنای "علم" تشکیل شده است. واژه اطلاع‌رسانی بر انجام یک عمل دلالت دارد: عمل رساندن اطلاع. این معادل را نمی‌توان برای یک علم به کار برد زیرا عمل با علم تفاوت دارد. عمل، معمولاً ماحصل علم است. ارتباط علم با عمل را می‌توان همانند ارتباط علم با فناوری دانست. فناوری از یافته‌های علم استفاده می‌کند اما خود، علم نیست. عمل اطلاع‌رسانی نیز که چیزی جز رساندن اطلاع نیست، یک عمل است که می‌تواند ناشی از یک علم باشد، خواه این علم، علم اطلاعات باشد خواه علم اطلاع‌رسانی یا هر معادل دیگری. بنابراین، نخستین نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که میان دو معادل "اطلاع‌رسانی" و "علم اطلاع‌رسانی"، دومی، دست کم به این دلیل که این مفهوم را یک علم می‌داند منطقی‌تر و پذیرفتنی‌تر است. نکته بعدی انتخاب معادل "اطلاع‌رسانی" برای واژه

### واژگان "اطلاع‌رسانی" و "علم اطلاع‌رسانی" از دیدگاه مفهومی

در حوزه مفهومی نیز از همان توالی تاریخی که در پیدایش واژه "اطلاع‌رسانی" به کار برده شد استفاده می‌شود. در مقاله بورکو که در بالا به آن اشاره شد آمده است: "دانش اطلاع‌رسانی عبارت است از رشته‌ای علمی که درباره کیفیت و کاربرد اطلاعات، نیروهای حاکم بر جریان اطلاعات و همه ابزارهای آماده‌سازی اطلاعات برای دسترسی و استفاده مطلوب، تحقیق می‌کند. کار دانش اطلاع‌رسانی پرداختن به آن بخشی از دانش است که به تولید [۱] گردآوری، سازمان دهی، ذخیره، بازیابی، ترجمه، انتقال، تبدیل، [و] کاربرد اطلاعات مربوط می‌شود." (۲۵:۸-). سلطانی و راستین نیز اطلاع‌رسانی را دانشی می‌دانند که "... درباره کیفیت و کاربرد اطلاعات، نیروهای حاکم بر جریان اطلاعات و

همه ابزارهای آماده‌سازی اطلاعات برای دسترسی و استفاده مطلوب تحقیق می‌کند. اطلاع‌رسانی به تولید، گردآوری، سازماندهی، ذخیره، بازیابی، ترجمه، انتقال، تبدیل و کاربرد اطلاعات مربوط می‌شود. این علم دربارهٔ ارائهٔ اطلاعات به روش‌های طبیعی و مصنوعی [۱] کاربرد قالب‌ها برای انتقال کامل اطلاعات [۲] شیوه‌های آماده‌سازی اطلاعات [۳] و ابزارهای و فنون آن مانند رایانه و روش‌های برنامه‌ریزی آن به پژوهش می‌پردازد. هدف اطلاع‌رسانی به‌عنوان یک علم، تهیهٔ مجموعه اطلاعاتی است که سبب پیشرفت نهادهای گوناگون و روش‌هایی می‌شود که برای گردآوری و انتقال دانش در نظر گرفته شده است. (۲۰۸-۲۱۰). مفاهیمی که سلطانی و راستین دربارهٔ "اطلاع‌رسانی" بیان کرده‌اند کمابیش همانی است که متناوباً در مقالهٔ بورکو بیان شده است.

در دو فرهنگ از سه فرهنگ رایانه فوق‌الاشاره که IS را تعریف کرده‌اند، یکی آن را "مطالعهٔ ایجاد، تغییرات و ارتباط اطلاعات در تمام اشکال آن" (۱۰) و دیگری "مطالعه و بررسی چگونگی گردآوری، سازماندهی، اطلاع‌رسانی، داده‌شناسی، دستکاری و مخابرات اطلاعات" تعریف کرده است (۱۲). فرهنگ سوم فقط به ذکر معادل این اصطلاح بسنده کرده است.

بررسی تعاریفی که دربارهٔ مفهوم اطلاع‌رسانی یا به عبارات دیگر، معادل IS داده شده، چند نکته را بحث‌انگیز می‌سازد. یکی اینکه تعاریف ارائه شده در متون کتابداری بالا، به‌نظر نمی‌رسد که تفاوت چندانی با تعاریف ارائه شده در فرهنگ‌های رایانه داشته باشد. مطالعه و بررسی چگونگی گردآوری، سازماندهی، اطلاع‌رسانی، داده‌شناسی، دستکاری و مخابرات اطلاعات که در فرهنگ پیشرفته اینترنت برای دانش اطلاعات و انفورماتیک ارائه شده، شباهت بسیاری به تعریفی دارد که سلطانی و راستین در دانشنامهٔ کتابداری و

اطلاع‌رسانی ارائه داده‌اند، تعریفی که بورکو نیز پیش از آنان ارائه کرده است. پرسشی که در این‌جا پیش می‌آید این است: چرا علی‌رغم این شباهت تعاریف، این اصطلاح در متون کتابداری، "اطلاع‌رسانی"، یا در حالتی نزدیک‌تر به معادل انگلیسی آن، "علم اطلاع‌رسانی" تعریف شده در حالی که در فرهنگ‌های رایانه آن را "علوم آگاهی"، "دانش اطلاعاتی" و "انفورماتیک" نامیده‌اند؟ آیا این مفهوم در هر کدام از دو رشتهٔ کتابداری و رایانه اعمال متفاوتی انجام می‌دهد؟ اگر پاسخ به این پرسش مثبت است پس چرا تعاریف ارائه شده در منابع کتابداری تا این اندازه به تعاریف داده شده در متون رایانه شباهت دارد؟ آیا به کارگیری معادل "اطلاع‌رسانی" به جای IS در متون فارسی کتابداری، ناشی از نگرش فن‌سالارانهٔ کتابداران ایرانی به حرفهٔ خود نیست؟ کتابداری که حرفهٔ خود را عاری از هرگونه مبانی نظری و علمی می‌داند، آن را صرفاً یک فن می‌پندارد و احتمالاً به این دلیل است که تنها عمل "اطلاع‌رسانی" را از کُل "علم اطلاعات"، براندهٔ حرفهٔ خود می‌شمارد.

از سوی دیگر، چون تعریفی مشابه تعاریف متون رایانه، در متون کتابداری، به‌ویژه در یک دانشنامهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی ارائه شده است می‌توان استدلال کرد که این تعریف، مورد پذیرش جامعهٔ کتابدار ایرانی است. به عبارت دیگر، کتابداران ایرانی پذیرفته‌اند که "اطلاع‌رسانی"، به تولید، گردآوری، سازماندهی، ذخیره، بازیابی، ترجمه، انتقال، تبدیل و کاربرد اطلاعات مربوط می‌شود. آیا این‌ها همان اعمالی نیست که از دیرباز به اشکال گوناگون در کتابخانه‌ها انجام می‌شده است؟ ممکن است این نکته مطرح شود که آیا کتابخانه‌ها به تولید اطلاعات نیز می‌پردازند؟ به این پرسش به دو صورت می‌توان پاسخ داد. یکی اینکه این تعریف برای اطلاع‌رسانی در یک دانشنامهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی داده شده و به این ترتیب، تلویحاً انجام کار

میان این دو در جای دیگری از این نوشته بررسی می‌شود. اما پرسش دیگری در اینجا مطرح است: چرا در متون فارسی کتابداری، معادل‌های "اطلاع‌رسانی" یا "علم اطلاع‌رسانی" برای IS انتخاب شده است؟

### "اطلاع‌رسانی" یا "علم اطلاع‌رسانی" و نه "علم اطلاعات"

برای بررسی این نکته که چرا "اطلاع‌رسانی" به شکل کنونی و احتمالاً بیشتر از "علم اطلاع‌رسانی" در انتشارات فارسی کتابداری به کار می‌رود بهتر است دربارهٔ چگونگی کاربرد این واژه در انتشارات فارسی کتابداری دقت شود. معمولاً این اصطلاح به سه صورت به کار برده می‌شود:

۱. به تنهایی، مانند یکی از گرایش‌های کارشناسی ارشد کتابداری که گرایش "اطلاع‌رسانی" است. در این حالت، این مفهوم، معنایی همانند گرایش "کتابخانه‌های عمومی" یا گرایش "کتابخانه‌های دانشگاهی" است. اصطلاح "مرکز اطلاع‌رسانی" که اخیراً در برخی کتابخانه‌ها و به طور مشخص در کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های تخصصی به کار می‌رود نیز از این نوع است. با توجه به معنایی که در بالا برای واژه "اطلاع‌رسانی" توصیف شد می‌توان این گونه استنباط کرد کسانی که این اصطلاح را به این شیوه به کار می‌برند بر این باورند که با پیدایش ابزاری به نام رایانه، فعالیت نوینی در کتابخانه‌ها و کتابداری پیدا شده که قبلاً وجود نداشته است.

۲. در ترکیب با واژه "کتابداری"، مانند "گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی"، "بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی"، "علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی" یا "انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران". برای این ترکیب، دو استدلال می‌توان ارائه کرد: یکی اینکه این ترکیب، ترجمه عبارت انگلیسی Library and

تولید اطلاعات در کتابخانه‌ها نیز پذیرفته شده است. دوم اینکه کتابخانه‌ها حتی اگر مستقیماً به تولید اطلاعات نپردازند دست کم به طور غیرمستقیم اطلاعات تولید می‌کنند. کتابخانه‌ها از دیرباز بخشی از چرخهٔ اطلاعات بوده‌اند، یعنی با گردآوری، سازماندهی و در اختیار گذاشتن اطلاعات در اختیار خوانندگان، موجبات تولید آثار دیگر را فراهم می‌کرده‌اند. پس، می‌توان ادعا کرد آنچه در رشتهٔ کتابداری با عنوان "اطلاع‌رسانی" انجام می‌شود همان است که در رشتهٔ رایانه با عناوینی مانند دانش اطلاعات، انفورماتیک، علوم آگاهی و غیره انجام می‌شود، فقط تفاوت در این است که در رشتهٔ کتابداری همهٔ این اعمال با عنوان یک عمل، یعنی عمل اطلاع‌رساندن انجام می‌شود اما در رشتهٔ رایانه، مشابه این اعمال، اگر نه در همه جا، اما در بیشتر موارد کلمات "علم" یا "دانش" را در خود دارد.

تعریف "اطلاع‌رسانی" در دانشنامهٔ کتابداری و اطلاع‌رسانی و یا مقالهٔ بورکو، حاوی کلمات "مطالعه و بررسی" است. فقط علم است که "مطالعه و بررسی" می‌کند و معمولاً عمل، یافته‌های حاصل از مطالعه و بررسی علم را اجرا می‌کند. حداقل می‌توان ادعا کرد که علم، مطالعه و بررسی را ساختمان‌تر از عمل انجام می‌دهد زیرا ساختمان‌دنی مطالعه و بررسی پدیده‌ها از مختصات علم است نه عمل. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت: آنچه در متون فارسی کتابداری با عنوان "اطلاع‌رسانی" مطرح می‌شود چیزی جز همان "علم اطلاعات" نیست. کسانی که معادل "علم اطلاع‌رسانی" را برای IS برگزیده‌اند دست کم به علم بودن این مفهوم اعتقاد دارند، اما ظاهراً معتقدند که این علم، فقط به "اطلاع‌رسانی" می‌پردازد نه به هر آنچه به "اطلاعات" مربوط است. نکته‌ای که بلافاصله در اینجا باید مطرح شود این است که نمی‌توان در اینجا با قاطعیت نتیجه گرفت که کتابداری، همان علم اطلاعات است. رابطهٔ

Information Science است که در این صورت، می‌توان پرسید که چرا عبارت انگلیسی به صورت "علم کتابخانه و اطلاعات" ترجمه نشده است؟ در انگلیسی، دو عبارت Library Science برای وجه علمی و نظری، و Librarianship برای وجه عملی و فنی حرفه کتابداری وجود دارد که به اعتقاد حری: "... ما در مقابل آنها به ترتیب، "علم کتابداری" و "کتابداری" را به کار برده‌ایم که البته تمایز مورد نظر را چندان نشان نمی‌دهد، ولی ناظر بر همان معناست" (۶:۷). ادعای حری در این باره که دو معادل فارسی، تمایز میان دو اصطلاح را چندان نشان نمی‌دهد به نظر درست می‌آید زیرا به سادگی می‌توان پرسید که به چه دلیل Library Science "علم کتابخانه" ترجمه نشده است. مگر اصطلاح انگلیسی به صورت Librarianship Science یا Science of Librarianship "کتابداری و اطلاع‌رسانی" گرفته شده است؟ شایان ذکر است که در غرب، حداقل به اعتقاد مایکل باکلند، ترکیب Library Science همان معنایی را می‌دهد که در زبان فارسی "علم کتابخانه" می‌دهد. او معتقد است: "علم بدیع کتابداری به طرز چشمگیری تحت حاکمیت اصطلاح "کتابخانه" به عنوان یک نهاد قرار دارد. در گفت‌وگوی روزانه، انسان به یک "دانشکده کتابخانه" می‌رود تا برای کسب یک "درجه کتابخانه" (که معمولاً رسماً به عنوان درجه کارشناسی ارشد علم کتابخانه شناخته می‌شود) تحصیل کند و امیدوار است که مدرک او توسط یک انجمن ملی کتابخانه تأیید شود. انسان معمولاً مقالات را در نشریاتی می‌خواند که کلمه "کتابخانه" را در عنوان خود دارند. این تأکید سنگین بر یک نهاد، در حرفه‌ها و مدارس حرفه‌ای دیگر کمتر به چشم می‌خورد. روزنامه‌نگاران "مدرک روزنامه" نمی‌گیرند و زارعان آینده، در "دانشکده مزرعه" نام‌نویسی نمی‌کنند. ما به آموزگاران به عنوان دارندگان "مدرک آموزشگاه" اشاره نمی‌کنیم و شرکت در

"دانشکده آموزشگاه" عجیب به نظر می‌آید. کتابداری به نظر می‌رسد که به نوعی، خارج از مسیر است. انسان از خود می‌پرسد که این استعاره‌ها، چه تأثیری ممکن است داشته باشد اگر داشته باشد. علم بدیع کتابداری معتقد است که نهاد کتابخانه، باید بر تعریف کتابداری و دانشکده‌های کتابداری حاکمیت داشته باشد (۱۸:۱۶). او در جای دیگر اشاره می‌کند که بهتر است دیدگاه نهاد مدار نسبت به کتابداری را فراموش کرد و دیدگاهی مفهومی در پیش گرفت. وی افزودن عبارت "و علم اطلاعات" را به نام بسیاری از دانشکده‌های کتابداری، ناشی از همین نگرش غیرنهادمدار به رشته می‌داند (۲۰:۱۶). به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که عبارت Library Science "علم کتابخانه" است نه "علم کتابداری". اگر این نکته پذیرفته شود پس عبارت "علم کتابخانه و اطلاعات" را باید به جای "کتابداری و اطلاع‌رسانی" یا "علم کتابداری و اطلاع‌رسانی" به عنوان معادل فارسی Library and Information Science گذاشت.

ترکیب "علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی" نیز جای بحث دارد. همان‌گونه که در بالا استدلال شد این عبارت نمی‌تواند ترجمه درستی برای Library and Information Science باشد زیرا در عبارت انگلیسی، واژه Science به صورت مفرد به کار رفته است (۲۰:۱۶) و در نتیجه نمی‌تواند "علوم" ترجمه شود. احتمالاً ترکیب "علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی" در ایران به این دلیل به وجود آمده است که علم بودن کتابداری، هنوز مشخص نشده و در این حالت، می‌توان دو واژه "کتابداری" و "اطلاع‌رسانی" را کنار هم گذاشت و "علم" را در "علم اطلاع‌رسانی" جمع بست و به این ترتیب، "کتابداری" را نیز علم به حساب آورد.

دلیل دوم برای ترکیب "کتابداری و اطلاع‌رسانی"، شاید رنجی باشد که کتابداران ایرانی از دیرباز از نارسایی واژه "کتابداری" برده‌اند. هوشنگ ابرامی در

سال ۱۳۵۲ دربارهٔ این نارسایی چنین نوشت:

"بدترین دشمن علم نوین [وینو] که به زبان فارسی "کتابداری" خوانده می‌شود، خود کلمهٔ کتابداری است. این کلمه بسیار نارساست، به یک فرد فرزانه و اندیشمند بگویند که اگر بخواهد یک فرهنگ فارسی به فارسی تدوین کند برای "کتابداری" چه معنایی خواهد نوشت. اگر از پاسخ درمماند بی‌گمان آنچه بگوید با واقعیت وفق نمی‌دهد. از وی بپرسید کلمهٔ "کتابدار" چگونه آدمی را، و با چه خصوصیات و وظایفی در ذهن وی مجسم می‌کند. آنچه خواهد گفت در [یا] وصف کسی که قرون پیش می‌زیسته انطباق بیشتری خواهد داشت. برای خود "اهل فن" نیز این کلمه گمراه‌کننده است. اگر "کتابدار" نسل ما خود را انسان فرسوده رنجور و از پا درآفاده و مار پیر برگنج خفته‌ای نپندارد بر اثر القای این واژه بیشتر فکر و هوش و حواس را بر "صفحهٔ عنوان" و "برگهٔ کتاب" متمرکز می‌دارد و بالمال از انقلاب شگرفی که حرفهٔ این در طرف [این حرفه طرف] یک صد سال گذشته در بنای کهن تعلیم و تربیت پدید آورده بی‌خبر و ناآگاه می‌ماند" (۲:۱).

به این ترتیب، به نظر می‌رسد افزودن واژهٔ "اطلاع‌رسانی" به واژهٔ "کتابداری"، حاصل توافق جمعی اما ناگفته و نانوخته است که کتابداران ایرانی برای گریز از نارسایی واژهٔ کتابداری، به آن رسیده‌اند، اما معلوم نیست چرا توجه نشده که با این کار، هسته‌ای‌ترین کار کتابداری، یعنی "اطلاع‌رسانی" را از دل آن بیرون آورده و در کنار آن قرار داده‌اند در حالی که واژهٔ "اطلاع‌رسانی" در واژگان متداول زبان فارسی امروز، به معنای هر نوع اطلاع‌رسانی نیز به کار می‌رود، کاربردی که در بیشتر موارد، هیچ ارتباطی به کتابخانه و کتابداری ندارد. ۳. در مواردی در ترکیب با واژهٔ "کتابخانه"، مانند "کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی". در این ترکیب، گاهی عبارت "مرکز اطلاع‌رسانی" بر واژهٔ "کتابخانه" تقدم می‌یابد. در این حالت نیز، احتمالاً افزودن "مرکز اطلاع‌رسانی" به نام کتابخانه برای نشان دادن این است که بخشی از فعالیت‌های کتابخانه به وسیلهٔ رایانه انجام می‌شود و شاید هم به دلیل گریز از مفهوم سنتی "کتابخانه" است که به باور کتابداران، رسانندهٔ نقشی که

کتابخانه در عصر کنونی بازی می‌کند نیست.

بررسی دیدگاهی، که عباس حرری دربارهٔ مفاهیم کتابداری و اطلاع‌رسانی در مصاحبه با نشریهٔ رهیافت: فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی مطرح می‌کند، حداقل از این نظر که از سوی یک عضو شورای عالی اطلاع‌رسانی مطرح می‌شود و احتمالاً یکی از جدیدترین قضاوت‌ها دربارهٔ این مفاهیم است می‌تواند در اینجا سودمند باشد. در این مصاحبه از حرری خواسته می‌شود که: "برای آغاز بحث با تعریف مفاهیم مختلفی نظیر اطلاع‌رسانی و انفورماتیک؛ حوزهٔ شمول این مفاهیم و حتی تفاوت‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی و چالش‌هایی که فناوری جدید توانسته است یا می‌تواند برای دلالت‌های این مفاهیم پدید آورد، آغاز کنیم." و او در پاسخ چنین می‌گوید:

"ما در ایران، اطلاع‌رسانی را معادل واژهٔ انگلیسی Information گذارده‌ایم. در انگلیسی این واژه دو وجه دارد، هم دال بر فرایند و هم دال بر محصول یک فرایند است یعنی هم معنی Inform کردن (اطلاع دادن) می‌دهد و هم معنی محصول حاصل از Inform کردن که همان اطلاعات است. اصطلاح Science که به این واژه اضافه شده، اصطلاح فارسی علم اطلاع‌رسانی را پدید آورده است. از آنجا که خیلی وقت‌ها این علم را در بردارندهٔ مجموعهٔ علوم می‌دانند آن را جمع هم می‌پندند؛ علوم اطلاع‌رسانی..."

غالباً تصور می‌شود که علم اطلاع‌رسانی فقط راجع به کتاب است. اما من می‌گویم که باید تعریفمان از کتاب را روشن کنیم. تعریف کتاب عبارت از مجموعهٔ پیوسته‌ای است که در آن یک سلسله اطلاعات تحریر شده است. به این اعتبار، لوح فشرده هم یک نوع کتاب است، فقط قلم تحریرش فقط [کذا] فرق کرده است. از لوح‌های کتابخانه آشورنی‌باد [آشوربانی پال] تا لوح‌های امروز همه کتابند. پس اطلاع‌رسانی فقط کتاب را در بر نمی‌گیرد، البته کتاب به معنای گوننگری را. احتمالاً امروز خود شما هم برای مشخص کردن کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی دچار مشکل می‌شوید.

رایانه و اینترنت و لوح فشرده را در کتابخانه هم پیدا می‌کنید، استادی دانشم که می‌گفت، اطلاع‌رسان، کتابداری است که کارش را خوب انجام می‌دهد، یعنی

نیست؟ نتیجه‌ای که باز هم تا این جا می‌توان گرفت این است که عبارات "اطلاع‌رسانی" یا "علم اطلاع‌رسانی"، چه به صورت منفرد چه در ترکیب با واژگان "کتابداری" یا "علم کتابداری"، معادل انگلیسی IS است که در غرب، "علم اطلاعات" معنا می‌دهد. به این ترتیب، اگر به هر دلیلی می‌خواهیم آن را به واژگان "کتابداری"، "علم

اطلاعات مناسب را به موقع در اختیار استفاده‌کننده قرار می‌دهد هر کس این کار را بکند اطلاع‌رسان است. درست است امروز هر کجا صحبت از اطلاع‌رسانی بشود فوراً در ذهن افراد رایانه و اینترنت نقش می‌گیرد، اما مرز روشنی میان اینها و کتابداری وجود ندارد. فرایند همان فرایند قدیمی تولید، ذخیره و بازیابی است، مجرا و ابزار کار فرق کرده است" (۶: ۷-۸).

در سخنان حری نکاتی وجود دارد که قابل بحث است:

۱. او نیز معتقد است که در ایران، اطلاع‌رسانی معادل واژه Information پذیرفته شده است. او پس از توضیح تفاوت‌های معنایی واژه Information در زبان انگلیسی، به هر دلیلی، توضیح می‌دهد که چرا در ایران معنای فرایندی Information و نه معنای اعم محصول، انتخاب شده است. به این ترتیب، او از جمله کسانی است که معادل IS را "علم اطلاع‌رسانی" و نه "اطلاع‌رسانی" تنها می‌داند، اگرچه در کلمات او هم، به تناوب از واژگان "اطلاع‌رسانی" و "علم اطلاع‌رسانی" هر دو استفاده می‌شود.

۲. او در جایی از صحبت‌های خود به مخاطبان می‌گوید که آنها هم در مشخص کردن تفاوت میان کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی دچار مشکل می‌شوند.

۳. او به نقل از استاد خود می‌گوید که اطلاع‌رسان، کتابداری است که کارش را خوب انجام می‌دهد. از آهنگ نوشته چنین برداشت می‌شود که حری، با نظر استاد خود موافق است.

۴. او بر این باور است که مرز روشنی میان رایانه و اینترنت (که معتقد است همراه با واژه "اطلاع‌رسانی" به ذهن متبادر می‌شود) و کتابداری وجود ندارد، زیرا فرایند، همان فرایند قدیمی تولید، ذخیره و بازیابی است تنها مجرا و ابزار کار فرق کرده است. پس حری معتقد است اطلاع‌رسانی همان کتابداری است که شامل فرایند تولید، ذخیره و بازیابی می‌شود، اما در همین جا می‌توان پرسید آیا علمی که هم شامل تولید، هم شامل ذخیره و هم شامل بازیابی است می‌توان فقط "اطلاع‌رسانی" نامید؟ آیا این علم، "علم اطلاعات"

**علم کتابداری، بخشی از علم  
گسترده‌تر اطلاعات است که این  
علم را در حوزه‌ای به نام  
کتابخانه، محدود می‌کند.**

کتابداری، یا "علم کتابخانه"، که در بالا اشاره شد بیفزاییم، بد نیست رابطه میان "کتابداری"، "علم کتابداری"، یا "علم کتابخانه" با "علم اطلاعات" را بررسی کنیم.

**رابطه میان "کتابداری"، "علم کتابداری" یا  
"علم کتابخانه" با "علم اطلاعات"**

به هنگام بحث درباره اینک چرا در نوشته‌های فارسی کتابداری، از "اطلاع‌رسانی" یا "علم اطلاع‌رسانی" و نه "علم اطلاعات" استفاده می‌شود، اشاره شد که حری اعتقاد دارد علم کتابداری، اعم از کتابداری است. به این معنا که عمل کتابدار در کتابخانه‌ها

**کتابداری یا علم کتابخانه، بخشی  
از علمی وسیع‌تر به نام علم  
اطلاعات است. اگر قرار است  
رابطه‌ای میان این دو بیان شود  
مبارزه کتابداری و علم  
اطلاعات، "علم کتابداری و  
اطلاعات"، یا "علم کتابخانه و  
اطلاعات" پیشنهاد می‌شود.**



به‌طور منطقی باید تحت تأثیر یافته‌های علم کتابداری باشد. در اینجا بدون اینکه نظری دربارهٔ درستی یا نادرستی این دیدگاه بیان کنیم برای مقایسهٔ کتابداری یا علم کتابداری با علم اطلاعات، مفهوم وسیع‌تر علم کتابداری را انتخاب می‌کنیم تا آن را با علم اطلاعات مقایسه کنیم. هنگامی که رابطهٔ اعم یا اخص را میان دو مفهوم علم کتابداری و علم اطلاعات بررسی می‌کنیم رابطه هر چه باشد چون کتابداری را بخشی از علم کتابداری پنداشته‌ایم هر رابطه‌ای دربارهٔ علم کتابداری، طبعاً دربارهٔ کتابداری نیز صادق خواهد بود. برای انجام این مقایسه، از تعاریف ارائه شده در منابعی که قبلاً هم در همین نوشته به آنها اشاره کردیم استفاده می‌کنیم.

همان‌گونه که در بالا ذکر شد سلطانی و راستین اطلاع‌رسانی را دانشی می‌دانند که "... دربارهٔ کیفیت و کاربرد اطلاعات، نیروهای حاکم بر جریان اطلاعات و همه ابزارهای آماده‌سازی اطلاعات برای دسترسی و استفادهٔ مطلوب تحقیق می‌کند. اطلاع‌رسانی به تولید، گردآوری، سازماندهی، ذخیره، بازیابی، ترجمه، انتقال، تبدیل و کاربرد اطلاعات مربوط می‌شود. این علم دربارهٔ ارائهٔ اطلاعات به روش‌های طبیعی و مصنوعی [۱] کاربرد قالب‌ها برای انتقال کامل

گردآوری و انتقال دانش در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر، به باور ایشان، [۱] کتابداری عبارت است از کاربرد دانش کتاب‌ها و کاربرد اصول، فنون و نظریه‌های مشخص در ایجاد، نگاهداری و سازمان‌دهی و استفاده از مجموعه کتاب‌ها و دیگر مواد موجود در کتابخانه و همچنین گسترش خدمات کتابخانه. کتابداری نام حرفهٔ کتابداران است، [۲] دانش و تجربی که مربوط به کتابخانه‌ها، مجموعه آنها، اقتصاد کتاب و کتابشناسی است" (۳۴۲-۳۴۳). این دو از علم کتابداری به کتابداری ارجاع داده‌اند. اسدی نیز واژگان "علم کتابداری" و "کتابداری" را معادل Library Science گرفته و در تعریف این مفاهیم چنین نوشته است: "گردآوری، ذخیره‌سازی و توزیع پیشینه‌ها و مواد نوشتاری یا چاپی؛ مطالعهٔ کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی و مدیریت کتابخانه‌ها" (۱۳:۶۱). به این ترتیب، اسدی تفاوتی میان کتابداری و علم کتابداری قائل نشده است. در ترجمهٔ او از واژهٔ "اطلاع‌رسانی" در همین واژه‌نامه، "کتابداری" آشکارا اخص از "علم اطلاع‌رسانی، علم اطلاعات" است که او معادل‌هایی برای IS انتخاب کرده است. استلاکین نویسندهٔ این واژه‌نامه بر این باور است که "... اطلاع‌رسانی، زمینه‌های موضوعی ارتباطات، نشر، علم کتابداری و انفورماتیک را نیز در برمی‌گیرد" (۱۳:۵۶).

با مقایسهٔ تعاریف مربوط به کتابداری یا علم کتابداری با علم اطلاعات (که در واقع نامی است که در این نوشته برای اطلاع‌رسانی یا علم اطلاع‌رسانی پیشنهاد شده است) درمی‌یابیم که علم کتابداری با علم اطلاعات یکی نیست بلکه علم اطلاعات، اعم از علم کتابداری است. مایکل باکلند که از اندیشمندان کتابداری در غرب به‌شمار می‌آید در یکی از کتاب‌های خود به این نکته چنین اشاره می‌کند: "... این نیز کاملاً روشن است که دامنهٔ علم اطلاعات باید بسیار گسترده باشد: منطق، ریاضیات، زیان‌شناسی، فلسفه، ادبیات، علم بدیع، عصب‌شناسی، مهندسی الکترونیک، سایبرنتیک، کتابداری، مطالعات مربوط به تصمیم‌گیری، ارتباطات

و ابزارهای آماده‌سازی اطلاعات [۴] و ابزارها و فنون آن مانند رایانه و روش‌های برنامه‌ریزی آن به پژوهش می‌پردازد. هدف اطلاع‌رسانی به‌عنوان یک علم، تهیهٔ مجموعهٔ اطلاعاتی است که سبب پیشرفت نهادهای گوناگون و روش‌هایی می‌شود که برای

همان‌گونه که در بالا ذکر شد سلطانی و راستین اطلاع‌رسانی را دانشی می‌دانند که "... دربارهٔ کیفیت و کاربرد اطلاعات، نیروهای حاکم بر جریان اطلاعات و همه ابزارهای آماده‌سازی اطلاعات برای دسترسی و استفادهٔ مطلوب تحقیق می‌کند. اطلاع‌رسانی به تولید، گردآوری، سازماندهی، ذخیره، بازیابی، ترجمه، انتقال، تبدیل و کاربرد اطلاعات مربوط می‌شود. این علم دربارهٔ ارائهٔ اطلاعات به روش‌های طبیعی و مصنوعی [۱] کاربرد قالب‌ها برای انتقال کامل

**واژهٔ اطلاع‌رسانی در برابر**  
**معادلی‌سسه برای عبارت انگلیسی**  
**Information Science. لیکن معادل،**  
**معادل خوبی نیست و باید به جای آن**  
**از معادل "علم اطلاعات" استفاده**  
**کرد**

اطلاعات [۴] شیوه‌های آماده‌سازی اطلاعات [۴] و ابزارها و فنون آن مانند رایانه و روش‌های برنامه‌ریزی آن به پژوهش می‌پردازد. هدف اطلاع‌رسانی به‌عنوان یک علم، تهیهٔ مجموعهٔ اطلاعاتی است که سبب پیشرفت نهادهای گوناگون و روش‌هایی می‌شود که برای

اجمعی... همهٔ این‌ها و علوم دیگر به اطلاعات مربوطند. آشکار است که قلمرو علم اطلاعات بسیار گسترده است. او آشکارا کتابداری را بخشی از علم اطلاعات می‌داند. او در جایی دیگر از همین کتاب، رابطهٔ علم کتابخانه (اصطلاحی که او معتقد است در غرب برای رساندن مفهوم علم کتابداری به کار می‌رود) را با علم اطلاعات، چنین بیان می‌کند: «با این حال، انباشت و بازیابی اطلاعات، با وجود آنکه بدون جذابیت فنی نیست، هنگامی که به تنهایی بررسی شود سترون است. برای دیدن انباشت و بازیابی اطلاعات در بافت مناسب خود، ما به این نکته نیاز داریم که خود را با علم اطلاعات در مفهوم وسیع تر ارتباط با مظاهر دانش، خود دانش، و در حقیقت با مردم، تا آن جایی که نیازهایشان به وسیلهٔ دانش و مظاهر دانش، به انباشت و بازیابی اطلاعات مربوط می‌شود مرتبط سازیم. در حالی که معناشناسی این حوزهٔ کلی فاصلهٔ زیادی تا حد مطلوب باقی می‌گذارد. ما می‌توانیم عبارت «علم کتابخانه و اطلاعات» را برای نشان دادن این حوزهٔ مورد علاقه که با انباشت و بازیابی اطلاعات ارتباط تنگاتنگی دارد اما به

اکنون تنها یک نکته باقی می‌ماند: اگر می‌خواهیم به هر دلیلی از نام کتابداری به تنهایی استفاده نکنیم و آن را با علم اطلاعات پیوند زیم باید مشخص کنیم که آیا به علم بودن علم کتابداری یا علم کتابخانه اعتقاد داریم یا نه. اگر اعتقاد داریم ترکیب پیشنهادی به این صورت خواهد بود: «علم کتابداری و اطلاعات» یا «علم کتابخانه و اطلاعات» (در این نوشته، دومی پیشنهاد می‌شود). و اگر اعتقاد نداریم این ترکیب را می‌توانیم به کار ببریم: کتابداری و علم اطلاعات. در هر دو (یا سه) حالت، جایی برای مفهوم می‌به نام اطلاع‌رسانی وجود نخواهد داشت.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از آنچه در بالا آمد نتایج زیر را می‌توان به دست آورد:

۱. واژهٔ اطلاع‌رسانی در ایران معادلی ست برای عبارت انگلیسی Information Science. این معادل، معادل خوبی برای عبارت انگلیسی نیست و باید به جای آن از معادل «علم اطلاعات» استفاده کرد.

۲. اطلاع‌رسانی، علمی‌ست که در بطن حرفهٔ کتابداری وجود دارد. در واقع، همهٔ آنچه در کتابداری انجام می‌شود برای اطلاع‌رسانی‌ست. دلیلی نمی‌توان یافت که بر مبنای آن، بتوان عمل اطلاع‌رسانی را از درون کتابداری بیرون کشید و در کنار آن گذاشت. نمی‌توان نقطهٔ تفاوتی میان کتابداری و عمل اطلاع‌رسانی یا علم اطلاع‌رسانی (به گونه‌ای که در انتشارات فارسی کتابداری تعریف شده است) قائل شد. نمی‌توان گفت که از چه مرحله‌ای به بعد، یک کتابدار، به یک اطلاع‌رسان تبدیل می‌شود.

۳. کتابداری یا علم کتابخانه، بخشی از علمی وسیع‌تر به نام علم اطلاعات است. اگر قرار است رابطه‌ای میان این دو بیان شود عبارات «کتابداری و علم اطلاعات»، «علم کتابداری و اطلاعات»، یا «علم کتابخانه و اطلاعات» پیشنهاد می‌شود. در این نوشته، ترکیب سوم اولویت بیشتری دارد.

نمی‌توان نقطهٔ تفاوتی میان کتابداری و مجال اطلاع‌رسانی یا علم اطلاع‌رسانی (به گونه‌ای که در انتشارات فارسی کتابداری تعریف شده است) قائل شد. نمی‌توان گفت که از چه مرحله‌ای به بعد، یک کتابدار، به یک اطلاع‌رسان تبدیل می‌شود.

مردم، نیازهایشان، دانش و پیشینه‌ها نیز مرتبط است به گونه‌ای همه پسند به کار بریم" (۲۳:۱۶). به این ترتیب می‌توان این گونه ادعا کرد که علم کتابداری، بخشی از علم گسترده‌تر اطلاعات است که این علم را در حوزه‌ای به نام کتابخانه، محدود می‌کند.

- دانشی و پرویز مهاجر، نشریه فنی مرکز مدارک علمی، دوره اول، ۱ (مهر ۱۳۵۱) ۴-۸.
۶. حوزی، عباس. سیاستگذاری اطلاع‌رسانی رهیافت: فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، ۲۵ (پاییز ۱۳۸۰)، ۷-۱۲.
۷. حوزی، عباس. "یادداشت سردبیر". فصلنامه کتاب، دوره دوازدهم، ۱ (بهار ۱۳۸۰): ۵-۷.
۸. سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین. دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹.
۹. سلطانی، پوری؛ فانی، کامران. سرعنوان‌های موضوعی فارسی. ویرایش ۳. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.
۱۰. سیبل، جارلز جی. فرهنگ کامپیوتر: انگلیسی - فارسی. ترجمه مینو میرزا صادقی. تهران: هیرمند، ۱۳۶۸.
۱۱. سینائی، علی. [بدون عنوان] نشریه فنی مرکز مدارک علمی، دوره ۱، شماره ۱، مهر ۱۳۵۱، برگ دوم.
۱۲. صبا، ایرج. فرهنگ پیشرفته اینترنت: انگلیسی - فارسی. تهران: انسیتو ایز ایران، ۱۳۸۰.
۱۳. کین، استلا. فرهنگ فشرده کتابداری و اطلاع‌رسانی. ترجمه فاطمه اسدی کرگانی. تهران: کتابدار، ۱۳۷۸.
۱۴. محمدی‌فر، محمدرضا. واژه‌نامه کامپیوتر: انگلیسی - فارسی. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸.
۱۵. ویکری، برابان؛ ویکری، الینا. علم اطلاع‌رسانی در نظر و عمل. ترجمه عبدالحسین فرح‌بهبو. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۰.
16. Buckland, Michael K. *Library Services in Theory and Context*. Oxford: Pergamon Press, 1988.

۴. عبارتی مانند مرکز اطلاع‌رسانی که یا به تنهایی یا پیوسته به واژه کتابخانه به کار می‌رود بار معنایی افزون بر کتابخانه ندارد و دلیلی نمی‌توان یافت که از این عبارت در هر دو حالت استفاده کرد. و سرانجام،

۵. باید برای حرفه کتابداری، به‌طور جدی نامی دیگر یافت. این واژه در هیچ حالتی بیانگر کار کتابدار امروزی نیست. اکنون که در انتشارات کتابداری غرب، به تدریج از واژه Cybrarian به جای Librarian استفاده می‌شود بهتر است معادلی برای این واژه نوین یافت تا جایگزین واژه بسیار سستی کتابداری و واژه نوین Cybrarian شود.

#### تاریخ دریافت: ۸۲/۲/۲۸

#### مآخذ

۱. ابرامی، هوشنگ. از کتابداری تا دانش‌شناسی کتابداری، دفتر چهارم (۱۳۵۳): ۱-۸.
۲. ابرامی، هوشنگ. شناختی از دانش‌شناسی: (علوم کتابداری و دانش‌رسانی). تهران: انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۶.
۳. اتحادیه بین‌المللی مراکز مدارک (فید). اصطلاحنامه علم اطلاع‌رسانی و سندپروازی، ترجمه محمدحسین دانشی و عبدالحسین آذرنگ. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۵۷.
۴. انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران. خبرنامه انجمن کتابداران ایران، دوره اول، ۱ (اسفند ۱۳۸۰): ۳.
۵. بورکو، هارولد. "دانش اطلاع‌رسانی چیست؟". ترجمه حسین